

گفت‌وگوی صبا
با پدram کریمی
فیلم‌نامه‌نویس فیلم
«خیابان جمهوری»

بحران فیلمنامه در سینمای ایران از فروپاشی منطق روایی آغاز می‌شود

حلقه مفقوده در سینمای ایران؛ تعامل کارگردان و فیلمنامه‌نویس

فرهوند ناظریان
گفت‌وگو

پدram کریمی که برای بسیاری از مخاطبان چهره‌ای آشنا در عرصه اجرای تلویزیونی است، پیش از ورود به دنیای اجرا، جایگاه خود را به عنوان نویسنده‌ای جدی در سینما و تلویزیون تثبیت کرده بود. او که نگارش آثاری همچون «کارگر ساده نیازمندیم»، «زندگی جای دیگری است» و اثر تحسین‌شده «اتاق گلی» را در کارنامه دارد، امسال با نگارش دو فیلمنامه «پل» به کارگردانی محمد عسگری و «خیابان جمهوری» به کارگردانی منوچهر هادی در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر حضور یافته است. در گفت‌وگوی پیش رو، به بهانه این حضور، با او درباره جزئیات و ویژگی‌های فیلمنامه «خیابان جمهوری» به گفتگو نشستیم.

○ خیابان جمهوری سومین تجربه همکاری شما با آقای منوچهر هادی در سینماست. پیش از این در پروژه‌های کوتاه و بلند دیگری با هم همکاری داشتید، اما حالا به سینمای داستانی کامل رسیده‌اید. با توجه به اینکه امسال شما همزمان با آقای محمد عسگری روی «پل» کار کرده‌اید، این موضوع که با دو کارگردان با سبک‌ها و رویکردهای کاملاً متفاوت کار کنید، چه چالش‌هایی برای شما به عنوان فیلمنامه‌نویس ایجاد می‌کند؟ آیا به نظر شما فیلمنامه‌نویس باید انعطاف کامل داشته باشد تا با دیدگاه هر کارگردانی پیش برود یا باید گاهی تلاش کند که دیدگاه خود را به کارگردان تحمیل کند؟

واقعیت این است که من و منوچهر هادی از دو دهه قبل با هم آشنا بودیم؛ زمانی که هر دو دستکاری می‌کردیم و در یک دفتر با هم کار و رفاقت داشتیم. این باعث شده که تعامل ما راحت‌تر باشد و با وجود بحث و جدل به نتیجه‌های قابل‌اتکائی برسیم. در مجموع این تعامل‌ها

کیفیت خروجی را بالا می‌برد. البته من در تولید هم بسیار دخالت می‌کنم و این ممکن است گاهی درست نباشد، اما احساس می‌کنم تعهد حرفه‌ای من نسبت به اثر ایجاب می‌کند. حتی گاهی همراه با کارگردان به لوکیشن می‌روم تا ببینم چه چیزی واقعاً با فضای فیلم هم‌خوانی دارد. این میزان مشارکت نیازمند یک سطح رفاقت و اعتماد بین فیلمنامه‌نویس و کارگردان است، زیرا اگر این رابطه وجود نداشته باشد، ممکن است اختلافات باعث تنش شود. به عنوان مثال، معرفی بازیگر از طرف فیلمنامه‌نویس می‌تواند بدون اعتماد، ناراحتی کارگردان را به دنبال داشته باشد. البته سبک و شخصیت کاری هر کارگردان متفاوت است، اما ما سعی می‌کنیم با جلسات مستمر و مشترک، فیلم‌ها و علایق سینمایی را بررسی کنیم تا ذهنیات ما نزدیک شود. ما با هم فیلم می‌بینیم، درباره رنگ، لحن و ریتم روایت بحث می‌کنیم و حتی نمونه‌های خارجی و ایرانی را به هم معرفی می‌کنیم. این حجم تعامل باعث می‌شود که وقتی فیلمنامه روی میز می‌آید، ذهن مشترکی شکل گرفته باشد و بتوانیم آن را به درستی روی پرده بیاوریم.

○ با این توضیحات، می‌توان گفت که «خیابان جمهوری» محصول این تعامل و جلسات مستمر است؟ آیا می‌توان این فیلم را در یک خط کوتاه معرفی کرد و فضای کلی آن را برای مخاطب تشریح کرد؟

اگر بخواهم خیلی کوتاه بگویم، «خیابان جمهوری» داستان یک دختر در میانسالی است که با مسائل و مصائب زندگی شهری در تهران مواجه است. فیلم فضای اجتماعی و روان‌شناسانه دارد و تمرکز بر دغدغه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی شخصیت اصلی است. داستان تلاش می‌کند که چالش‌های روزمره و فشارهای زندگی شهری را به شکلی ملموس و دراماتیک برای مخاطب نشان دهد و در عین حال، هویت و شخصیت زنانه در جامعه معاصر را برجسته کند.

○ لطفاً کمی درباره شخصیت اصلی «خیابان جمهوری» توضیح دهید. این شخصیت که بازپیش‌گش‌الناز ملک است، چه ویژگی‌هایی دارد و چه مسیری در داستان طی می‌کند؟

شخصیت اصلی دختر حدود سی ساله‌ای است که تلاش می‌کند روی پای خود بایستد و مستقل زندگی کند. فیلم مسیر رشد و مقاومت او را در شهری مانند تهران دنبال می‌کند، جایی که با مسائل و مصائب زندگی روزمره و فشارهای اجتماعی مواجه است. اگر بخواهم خیلی خلاصه بگویم، این یک داستان کلاسیک دخترانه شهری است؛ اما در پرداخت و جزئیات، دغدغه‌ها، تضادها و واکنش‌های او واقع‌گرایانه و ملموس طراحی شده‌اند.

○ فیلمنامه «خیابان جمهوری» چه زمانی نوشته شد، آیا این اثر به نوعی ادامه موتیف‌ها و دغدغه‌های قبلی فیلم در حوزه زنان است؟

این فیلمنامه حدود چهار سال پیش نوشته شد و طرح اولیه‌اش به همان دوران بازمی‌گردد. در تمام آثار من، یک عنصر تکرارشونده وجود دارد: حضور زنان، کودکان و نوجوانان به عنوان موتیف اصلی. از «اتاق گلی» گرفته تا «زندگی جای دیگری»، «کارگر ساده» و حالا «خیابان جمهوری»، حضور یک بچه یا نوجوان همواره محور روایت و نشانه‌ای از امید، مسئولیت و آینده است. این عنصر کمک می‌کند که حتی روایت‌های اجتماعی و بزرگسالانه هم برای مخاطب معاصر قابل فهم و مرتبط باقی بمانند.

○ با توجه به اینکه داستان فیلم در بستر مسائل اجتماعی شهری تهران شکل گرفته، این پروژه کاملاً مستقل تولید شد یا حمایت ارگانی هم داشت؟

این فیلم کاملاً مستقل است. البته ما برای جذب اسپانسر و تأمین بودجه، با چند نهاد و سازمان هم وارد مذاکره شدیم، اما متأسفانه در بعضی موارد، تجربه ما نشان داد که ضعف شناخت و تخصص سازمان‌ها باعث شد حمایت‌های واقعی شکل نگیرد. خوشبختانه منوچهر هادی، به عنوان کارگردان، در فرآیند تولید نقش تهیه‌کننده را نیز بر عهده گرفتند و مدیریت پروژه با همکاری هانی شیرازی انجام شد. این استقلال تولید کمک کرد که روایت و لحن فیلم تحت تأثیر محدودیت‌های بیرونی قرار نگیرد.

○ با توجه به تجربه کاری منوچهر هادی در ژانر کمدی، آیا «خیابان جمهوری» رگه‌هایی از طنز و لحظات سبک نیز دارد، یا کاملاً در فضای جدی و اجتماعی باقی مانده است؟

فضای کلی فیلم اجتماعی و جدی است و عمدتاً به مسائل تلخ زندگی شهری می‌پردازد. البته، همان‌طور که در دیگر آثار اجتماعی موقعیت‌هایی وجود دارند که از شدت فضا می‌کاهند و کمی نفس می‌دهند، اما این لحظات طنزگونه محدود و کنترل شده هستند. هدف ما این بود که لحن اصلی روایت جدی باقی بماند، بدون اینکه مخاطب از جریان داستان فاصله بگیرد.

○ درباره بستر زمانی و روایت فیلم، داستان در چه مدت زمانی اتفاق می‌افتد و آیا شما خودتان را محدود به یک بازه زمانی مشخص کرده‌اید یا خیر؟

قصه اصلی تقریباً در بازه‌ای کوتاه، بین ۱۵ روز تا یک ماه رخ می‌دهد، اما فیلم بستر و پیش‌زمینه‌ای گسترده‌تر دارد که اجازه می‌دهد شخصیت‌ها و تحولاتشان به شکل طبیعی شکل بگیرد. محدودیت زمانی برای روایت یک ابزار است، اما قصه باید فضایی ایجاد کند که مخاطب بتواند ارتباط برقرار کند و تغییرات شخصیت اصلی را حس کند.

○ با توجه به شخصیت اصلی که دختر سی ساله‌ای است و در تلاش برای استقلال و ایستادن روی پای خودش، آیا این روایت بازتاب دغدغه‌های واقعی دختران هم‌سن و سال او در جامعه امروز است؟

بله، قطعاً. برای نگارش فیلمنامه با چندین دختر هم‌سن و سال شخصیت اصلی صحبت کردم تا دغدغه‌ها و چالش‌های واقعی‌شان در زندگی روزمره را بشناسم. خیلی از اتفاقات و تجربه‌هایی که در فیلم می‌بینیم، از همین گفتگوها الهام گرفته شده‌اند. مثلاً چالش‌های مواجهه با محدودیت‌ها، تلاش برای استقلال مالی و اجتماعی، یا فشارهای فرهنگی که پیش رویشان است. همین تحقیقات باعث شده که رفتار و واکنش‌های شخصیت باورپذیر و نزدیک به واقعیت باشد.

○ آیا در فیلم رگه‌هایی از عشق و روابط عاطفی هم دیده می‌شود یا داستان صرفاً اجتماعی و مستقل از این موضوعات است؟

بله، عناصر عاشقانه نیز وجود دارند، اما کاملاً در خدمت روایت و شخصیت‌پردازی‌اند. این عشق‌ها ساده و ملموس هستند و به شخصیت اصلی کمک می‌کنند تا انگیزه‌ها و تصمیماتش را بهتر درک کنیم، بدون اینکه قصه را از مسیر اصلی اجتماعی خارج کنند.

○ در فیلمنامه‌های شما، معمولاً مولفه‌های مختلفی مانند ساختار، دیالوگ، شخصیت یا موقعیت‌ها اهمیت دارند. در «خیابان جمهوری»، کدامیک از این مولفه‌ها برای شما برجسته‌تر بوده و بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری اثر داشته است؟

